

FILE NO.

1856-57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS.

Pros.
Serial No.

Files of SIRAJU'Ä AKHBÄR.

Vol. 12 ; no. 11 ; May 31, 1856.

Subject.

News about The Moghul Court at Delhi.

Foll. 4 ; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$. (Printed).

Previous References.

Later References.

شماره ۱۱
 من تبادلی هم شبند شب ششم رمضان المبارک ۱۲۸۵ هجری مطابق ششمی ماه شمس و جمیع طقوس و عبادت و سوال المکرم
 اخبار دربار جهان علی حضرت سید جمال خلیفه الرحمانی فروع خاندان
 عالیشان کورکانی عراق و دوستان کمال مشایخ صاحبقرانی خلد ملکه
 جهان موسوم خود را دوا و عشرت دوا

عقیمت اعلیٰ عشرت و بهارین
 حسب معمول تقسیم کار خانجات و شرفیقا
 بعد از آنکه از بویله نهار ملاحظه قطعات فتوا
 نگاشته مولوی قطیب الدین خان مولوی
 شاه احمد سعید و بویله که مقدمه روت
 هلال ماه رمضان المبارک و جواز افطار
 غده سوالی بود و پنجشنبه فرموده که اگر
 یوم چهارشنبه روت هلال عید باشد باید
 ابر و عیاد نباشد و عید یوم الفجر منقر
 و نیز این شهرت که در جامع مسجد نموده شود
 چنانچه بنده کان و ملازمان کار بنده حکام
 حضور گردیدند و حسب معمول خیرم
 الدوله ببادر را به سعادت بار ایالی

آنروز کلیمه زرین مهر بر ساد و نیکون سپهر
 که خسرو شیر خیزد و کمان شجکای کند و ما فایم
 الدوله ببادر را مشرف بنفس شناسی
 بخشیده و امرای حضار را بر خست از اخته
 اداب و کورنش ببادر ان فشان ریالی جمعه
 و جود را بختی و قلعه اری نیز بر فتنه قریب
 نصف النهار استراحت گاه را روت
 خور و قرآین داده پیشین و عصر خوانند
 بعضی رسید که زرشکیش خدام محل در
 خزانه عامه گردید و غلام احمد خان سپهر
 مبلغ و تنقذ سی و سه رو و بجز آنرا و مبلغ متعلق
 کلید خانه بخازن و الارس بنده فرمودند که

یوم یکشنبه شب نهم

بعد ادای نماز با باد احترام الله و باد را
 شرف بنفس شناسی بخشیده هستند همانجا
 ایستند حضار را به چهار ادا بگوش
 بجا آورده بسیار صاحبزانی ایستادند
 معتبر الدوله با در چادر پائین کجواب
 طیار گنایند و بلاخطه قدس در آورد
 و بخشید بی یک زوج و پشاد قبولان
 ترا و آداب و کورش با در آن بپایند
 و بلاخطه قطعه عرضه شدت امین الله و بنا
 مع نقل صورت حال عدالت فوجدار
 و بیخاص و نقشه سفید و زرخان
 بنام پید حسنجان مدعی علیه شعر او خال
 مدعی علیه شفا خانه بسبب رخصه جنون
 و همپا بودنش و ارثان آن در قلمه سباز
 با سته های صد در حکم بکار برد از آن
 خلافت فرمودند که پیری خانه نقشه مذکور
 معرفت میر عدل با در تخریر کرد و بعد از آن
 داخل ایوان شهر یاری شد نه نصف
 النهار هنگام تقبل اوله گاه آرام فرستادند

با دای نماز پیشین و دیگر اشغال و نشین
 خوانده محبوس می احترام الله و باد را
 اراکین با بگین متوجه باغ کجبری نظارت
 کشنده و در کمره نظارت زدوق افروز
 کرده بلاخطه قدس سره و انانان خوشن
 شدند به بند پیش خرد و خوانا مصالحه
 و شنبه عطر و گلزار یکا کنده نظارت خان
 مراجعت به بیسج خانه داشتند و غیره زرا کو
 با در دیوه سلاطین حاضر شدند و اراکین هم
 حاضر گشته و در دیوه صند عقد نکاح
 مزار رحمت نجات با در با صیبه مزار نادخت
 منعقد شد و حایل کلهای یاسمین بجه حاضرین
 منقسم کردند بعد از آن رونق افزای شینان
 شهر یاری گشته فقط

یوم دوشنبه شب نهم رمضان

با شربت شیر صبح فریضه بگاده نمودند
 احترام الله و باد را بر بنفش شناسی گایا
 نمودند بعد حضار در بار و عجله سواری
 و تونزک رکاب برصحت نواخته بلاخطه

تاریخ سلطنت محمد علی شاه قاجار

قطعه شصت مرتبه دارالانشاء بنام امین الدوله
 بعد از مع نقل عوضی مرزا احمد سلطان و مرزا
 محمد سلطان و مرزا صفدر سلطان و مرزا
 سلطان بیگم و غوغه کبیران و دختران
 نواب رتبه سلطان بیخوفه تنخواه داران
 یکصد و شصت رتبه روبر چهاران چهار
 که از جمله صدوسی چهار رتبه شصت اند
 پایی موسوم رتبه سلطان بیگم بنام این
 حید دارنان از خزانه بنام رسس مقرر شده
 بنام بیجا شاد که مقتضای مزید
 در تنخواهی اولاد یعنی رتبه سلطان بیگم
 از خزانه کلکتری دلی زود تر روان نماید
 و نقل شده تا در عرضی سایرین جناب
 مزید توضیح حال لقیف آن کند مصلحت
 خاص شده بیای هر حکم برشته دادند
 بد نشستن اداب و کور نشن اجنیت باور
 و قلعه را به از زبانی محمد ر و جو بار
 ابای دعا فرموده نصف النهار هنگام
 استراحت نموده با دای نامت به
 و دیگر اشغال و نشستن عصر گذارده
 آخرین تا عصر حضور که تونزک

رکاب و حاضرین عقیدت مابین
 سیر و گلگشت شد و بعد ساعتی
 مراجعت بدولتخانه فرموده داخل
 کاشانه اقبال گردیدند و همین وقت
 احترام الدوله بهادر را یاد نمودند فقط
یوم شنبه است
 به نوازشش تقاریر صبحگاهی ادا می فرمودند
 مودا نموده احترام الدوله بهادر را سعاد
 بنفس شناسی دادند بعد سینه ارای
 بدینا نشکر کردند و بعد از آن
 نعل سبجان حاضر شدند و زمانی نیم الدوله
 مسبحان دوران نخل طبع را در خاص
 پذیریش اداب و کور نشن اجنیت باور
 و قلعه را به از زبانی محمد ر و جو بار
 ایوان دیشان شدند نصف النهار
 هنگام با استراحت گاه ابرام نموده
 شبنم و عصر خوانند آخرین نماز بود
 حضور که حاضرین متوجه سیر و تفهیم
 زیر بهر که شده و از آنجا به طرف
 باغ قدس بروتی اخذ و زکشته فاقه سواران

را برای رویت طلال عید حسب معمول جاری
 اطراف دینی روانه فرموده شام گاه
 مراجعت کردند و بهر گامی احترام الدوله
 نهادند و نظارت خان و اعیان دوله
 و دیگر اراکین و اعیان در آن دو غل
 خاص شدند قریباً شب باقیمانده
 عرضی قاضی شهاب الدین ساکن نیر
 و عرضی تهاذ دار علی پور عرضی انبکه
 با وصف کمال سعایتی امروز شنبه
 مست و نیم رمضان و دیگر مردمان
 و غیره رویت حال سعادت
 شمار اطلاع معروضه شده نظر
 نور گذشت فقط
یوم چهارشنبه ۱۳۰۰
 ساعت دهم غلک فریضه بگاه گذاره
 احترام الدوله نهادند را شرف
 شناسای نفس مقدس دادند و نیز
 در بار حسب معمول ببارگاه جهان بیاد
 حاضران و آداب و کورنش معروض

ساختند حضور لایح النور و ساده اقبال
 باراسته و غزل طبع زاد خاص بسبح
 میایون بزبانی نجم الدوله آید
 دادند که فردا علی الصبح اراکین مذکور
 بر در دولت حاضر شوند حسب
 نیافت و تقابست سواری معصوم
 عید رونق افزا خواهد کرد و مسجد
 دو گانه عید مورد احوال گفت بانه
 فرودش و سایر بان و غیره مرتب کرد
 بعد از پیش آداب و کورنش بعد از
 نای شتر سواریان با در قمار برای سعادت
 ماه شوال حسب حکم روانه اطراف
 شهر روانه شدند بروقت داخل
 ابوان ایشان نصف النهار شکام
 استراحت گاه را اقدام سمیت نزد
 آرایش بخشیده بشن ادا کرد و در
 حضور سی تونز کی رکاب و عهد سواری
 و اراکین عبودیت ماب برآه شده
 سیر و تفریح و کلکت سنه را در آن
 رود بار شده هنگام شام مراجعت
 نمودند و در انامی سواری از مردمان

مزار طهیر الدین عبود و گوی که اندازان
 باشد که فساد و یر خاشن کرده بدین غیر از
 مدوح بنا بر تفسیر گو که اندازان امر و خدا
 بنام میر عدل بباد حکم ضنا توام باز
 صد و در افکنده که تحقیقات امینعی نماید
 بوقت نبوت جرم مجرمان را سزاوار
 بعرض رسانیده که هلال عید گردان کنیم
 هم ساخته تفت عید سعید از لب
 عبودیت طلب می سازد حکم سزای
 و توای تشکک مبارک به میر انوش
 صادر شد فقط

یوم پشینه غره سوال الکریم

دی که کلیه زرین هلال عید فضل در دخت
 لب صامین در کشا و دسر و انجم دست
 مغربی در دست گرفته با سیاه شهنشاه
 دین نیا بعد نماز فریضه بگاه نبض شناسی
 با احترام الدوله بهادر بخشیده لباس کنجیر و
 بر تن راستند بعرض حضوری قره باجره
 خلافت غره ناصیه سلطنت مزار محمد جوان

بهادر و مزار طهیر الدین نجیب بهادر و مزار
 محمد با صید بهادر و مزار نجیب و شاه بهادر
 و دیگر فرزندان نادر و امرای سلطنت
 و بهجتیان حضرت نعل معتبر الدوله بهادر
 و احترام الدوله بهادر و سعید الدوله و زکریا
 یغان و سرافراز الدوله کلبان و دروغیان
 و شمس الدوله نجیبی نجیب خان و سید نور
 سولوی یوسف علیخان میر عدل بهادر
 و سعید الدوله وکیل دربار و محمد الدوله
 محمد اسد الدوله خان و قار الدوله محمد بن محمد خان
 و دیگر امرای جانبشان و اراکین و پیشانی
 بر سر گردون نظیر جلوه افروز گشته
 بهر گامی نوانگینان بارگاه جهان نیا به
 ادای دو کانه نماز عید الفطر متوجه مسجد حجابی
 واقع قلعه معنی گردیدند و در صحن دولت انعام
 سپا میان پلاش و شایلی چون سده سینه
 صفوف شده و توای تند فرودش
 استاده بروقت جلوه آرای بصیرت جوان
 عام تشکک سلامی و توای اسلام بجای آورد
 بقیام مصلاهی خاص مسجد نبوت از سعادت
 با کرامت مسلمین و گانه عید سودا گردند با تمام

b

خطبه خطیب خلعت معمولی مع سیر و شمشیر
 در برده بخشند و نیز خلع بیسی سنگین
 و اقامت گاه و جامع مسجد عطا کنند و بزرگ
 خضر سلطان متولی مسجد مدوح خلعت
 قبای کجواب و دستار سر سبزه و کوشواره
 زرین نواخته بعد از آن بگویند اقبال
 بهمان شوکت و جلالت مرا حبت نموده
 به پودن خاص سسر بر آبی بهایانی
 کشته فرزندان خاص مثل گوهر اکلیل
 گوهر خلعت همین بود سلطنت مزین
 الملک و لبعید بهادر و
 و مرزا محمد جوان نخت بهادر و مرزا
 طهر الدین نخت بهادر و بزه و سلاطین
 با تکلیف و جوانین دولت تهذیب و سادگی
 گویند و در عهد بود اساخته از جنگها
 جهان نبای حسب دستور ستم خلعت
 و نیز از اجانداری شاه متولی مسجد جامع
 خلعت قبای کجواب و دستار سر سبزه و
 فضل الدوله فضل الدخان در عهد
 سراج مدوح و خلعت سه پاره بر حافظ
 امر بخشش عشق باز دار و نه کبوتر خانه

غایت نمودند شاعران غزوات و نسبت
 خوانند درین اثنا گوهر فردش با پیش
 سبحان زمان حسان دوران بزرگ مع
 شهباز و در مکتبه دانی طوطی خوشتر من مقال
 بیمل مضح میان صاحب کمالی قصیده مر
 نهنت عین که روح نظیری و ظهوری بر هر
 شعر الفاظ و مضامین رنگینش نشان میدهد
 پیشگاه ادب بر خواند صدای مرجبان کبیر
 در بار ریخاست و درج کوشش مستعان
 بدرای شاهوار سخنان آراست لبک
 مطبوع طبع جاپون افتاد حکم طبع اشش
 به صلح الدوله مولوی شاعر عارفان صدای
 بعد خوان ما بچید و امی زبان و سیره و غره
 بوار شهباز سلطنت و امین الدوله بهادر
 و قلعه بهادر و بقعه با صبره خلافت
 و دیگر بر خواران کامکار و امرای عالم قدر
 مرحمت فرموده داخل ایوان شهر کاسه
 کردیدند و بهین وقت بلا حظه دو قطعه خوشی
 امین الدوله بهادر یکی اسع نقل رو بکار خلافت
 دیوانی در بیجا ص و اصل اطلاع جایی سفید
 بهاری لال سوسه مرزا کبیر الدین بهادر در بیجا

بخواند و در مکتبه دانی

بدست خواست ثبت اطلاعاتی و دوومی ^{بنا بر محاسبه}
 و اطلاعاتی بر مقدمه افغان مدعی علمیه غالب
 و سمانه افضل النساء بر مغلوب بوض
 نجر بر اطلاعاتی فرمودند که ثبت اطلاعات
 بر دو اطلاعاتی محبات معرفت بر عدل بباد
 حسب رشته نجر کرد نصف النهار
 هنگام نعمت پیری مانده طعام گشته
 قبله گاه را در ایشان دادند با دایمی خان
 ششم و دیگر اشغال دشمن محض خوانده
 آخرین نهار بوض حضور سکنی بزرگ
 رکاب و سله عقده اتساب بر آید
 متوجه سیر و تفریح گردید به شامگاه
 مراجعت نموده از دیو دی حواصی بر
 داخل ششبان ارم بنیان شدند
 و حسب معمول احترام الدوله بباد را
 بد فرمودند فقط

یوم جمع دوم سوال

بادامی سنون فریضه یوم دینه احترام الدوله
 بباد را بنض شناس فرموده که سیر

ار اسی دیوان خاص شدند خضار دوز
 مثل معتبر الدوله بباد و معین الدوله
 نظارت خان و شمس الدوله بخشی
 نجف خان و سرافراز الدوله کتبان
 خان و نجم الدوله محمد احمد الدوله خان
 و قار الدوله خلیفه اسمعیل خان سیف
 الدوله و کیل دربار و پیر عدلی بباد
 و سعید الدوله بباد و موسی الدوله
 و اعظم الدوله محمد مصطفی خان بباد
 بوسن خلافت گشته اداب و کورنش
 سودا نمودند و صفوت یمن و پسر گشته
 در بار جهان دار سودا استادند
 درین اثنا اهلکاران علاقه بخشگی
 تهر گدازانند و نیز حسب معمولی کور
 اکیل جهاد اسی در التاج خلافت و سهر بار
 معین بوس سلطنت مرزا محمد سلطان
 فتح الملک شاه و بیجه بباد حاضر گردید
 اداب شناسی بجا آورده ببا به فر صاحب
 قیام نمودند حکم عطفوت شیم شرف نفاذ
 که جمیع اراکین و اهلکاران دیوان عام رفته
 به مرزا و بیجه بباد رفته و معمولی گذارند

جنانجہ جمیع بندگان کار بند حکم والا کشتہ
 بعد شیندن سرود تو الان بار بند زار
 از دژ بر خاسته داخل مشکوی خسرو کشتہ
 بہ پذیرفتن آداب کورنش یاد ان دشمن
 نصف النہار شہ کام لذت پیری مایہ طعام
 کردیہ فیلو کہ گاہ آراستہ بادای کا زینت
 و دیگر اشغال دلنشین عصر گذار و نہ ازین
 ہمار برای ملاحظہ سب باد ر قمار بر آید
 بر کسی ز زمین جلوہ آرا کشتہ نہ ای سب
 محضوی احترام الدولہ بہاد و داخل کاشا
 خلافت شدہ قریب بیستم ساعت
 سہ و سہ افزان کشتن جانیانی مزاج
 نسخ الملک شاہ و لبہد بہادریع بیگم و سیم
 برای ادای نذر شرف استیلام عقبہ
 والا رنہ دریافتہ مرضض کردیہ نہ نقطہ
قطعه وقار الدولہ محمد اسماعیل خان
خلف الصدق سلطان
الشعر اخا قالی بند ابرہیم
خان ذوق
مرحوم

قطعه
 اسی سراج الدین بہادر شاہ گردون بارگاہ
 نیر اقبال سی تیری جہان پر نور ہے
 لعل کا ساغوسی لالہ بادہ ہی رنگ بہار
 سر و کشتن مثل مینا می نمی انکور ہے
 جلوہ آری من کل رشک خسار پری
 چرخ و خم پڑخ سنبل رشک لطف جوڑ ہے
 کیا تعجب گر رشک گل شکفتہ ہو کہ آج
 غنچہ تصویر بھی کو یاد دل سرور ہے
 لطف سی ہی تیری سبکی جاہ ساز ہی بہار
 زخم پر ہر گل کی شبنم مرہم کا نور ہے
 وہ تیری سرکار عالی ہی کہ جسمین خسروا
 ایندہ گری سکندر کا سہ کہ فقور ہے
 تیری سادہ کو زمانہ استدر ہی نیش زون
 ججج برانجم نہیں ہی خانہ زبور ہے
 کیا لکھی ذوق تیری اوصاف صبری زبان ہے
 اب تیری حتمین نقطہ او سکوا شظور ہے
 تا زمین پر ہی فلک اور ہین فلک رہر وہا ہے
 چشم ہر وہاہ تاہام و سحر پر نور ہے
 عید فرخ ہوشہا تجکو ہمیشہ نہ روغ ہے
 روشن اب تجسی چراغ خانہ تیمور ہے